

## تأثیر میترائیسم بر مسیحیت

دکتر زرتشت عطاء الهی

بنام یگانه دادار هستی، آفریننده ی جان و خرد  
در قرنهای ابتدائی پس از میلاد مسیح، میترائیسم رقیب بسیار جدی  
مسیحیت بود، چرا که در آن زمان میترا تنها ناجی و نشان دهنده  
ی راه و آیین زندگی بود، بی گمان، بدلیل حضور موازی دو سیستم  
قوی دینی در یک زمان و در یک جا، ۲۵ دسامبر، روز تولد میترا،  
روز تولد «مسیح» شد و درست از همین جا نفوذ ایده های، میترائی  
به مسیحیت آغاز شد، افسانه ی تولد میترا و عیسا، چوپانانی که  
برای ستایش و پرستش نوزاد آمدند، مراسم غسل تعمید، جشن گرفتن  
عروج، چون روز تقدیم شده به خدا، افسانه ی نان و شراب، عروج خدا  
در غالب انسان به آسمان، گواهی رستاخیز و جاودانی روح، برای این  
دو سیستم مشترک گشت. در آغاز قسمت عمده ی آیین مسیحیت را  
میترائیسم تشکیل میداد ولی بمرور زمان هنگامیکه موقعیت دین  
رسمی امپراتوری روم را پیدا میکند، جریان تصفیه ایده های شرقی  
شروع می شود. حتی آوازه ها و سرودهای مذهبی «پارسی» که در  
آن «آشوزرتشت» تولد ناجی (حضرت عیسا) را پیشگوئی کرده و به  
تعمید او نیز اشاره شده و در انجیل هم آمده، قانونی و مقدس به

### ایران زمین

حساب نیامدند. از قرن چهارم میلادی، مسیحیت دچار تضادهای داخلی و مبارزات بیرحمانه و سفت و سخت داخلی برای حفظ حقوق آنکام و انجیل می شود و به دلایل سیاسی، دوستی و مذهبی، موضع او به سنت های «پارسی» برگشت ناپذیر باقی میماند. بدین ترتیب دین مسیحیت با ترس شدید از نابودی «روم» در مقابل «پارس ها» با آنکه منشعب از میترائیسم مدفون با ریشه های زرتشتی بود، کوشش میکند خود را مستقل کند، «امپراتوری روم» به سبب جنگ های با امپراتوری پارس (ایران) مهد میترائیسم را دشمن همیشگی و جدی خود میدانست و به همین دلیل احساس نیاز به ایدیولوژی مستقل دولتی، برای مقابله با هرگونه تأثیر از سوی ایران و ایده های شرقی رشد میکند و مسیحیت چون پدیده ای نو، پیروزی خود را جشن میگیرد. در قرن چهارم میلادی، زمانیکه «ساسانیان» بطور کامل ریشه دواندند، نه فقط پیوندهای دولت بلکه دین جای محکم خود را پیدا میکنند. در زمان «اردشیر»، «اوستا» به عنوان کتاب مقدس، رسمی میشود. الفبای اوستائی که شامل ۴۸ حرف است و از جهت بیان گونه های آوا یکی از کامل ترین الفبای دنیاست، پایه ای می شود که، سرودهای «اوستا» که آن زمان شفاهاً ، نسل به نسل، سینه به سینه منتقل شده بود، روی ۱۲ هزار قطعه پوست آهو نوشته شد.

زروانیسم، اعتلای خود را در زمان «ساسانیان» کسب میکند و به

### ایران زمین

دنبال آن دوران طلایی ستاره شناسی، ریاضیات، ادبیات و معماری و زندگی روحانی دَرُون ایران، خطر جهانی شدن پیدا می کند که برای «امپراتوری روم» خطر جدی محسوب می شد، از اینجاست که «امپراتوری روم» کوشش میکند با ایدئولوژی خودساخته و کلیسای سازمان یافته ی خود در برابر دین قوی زرتشتی مقاومت کند، هردو امپراتوری به خدای «خورشید - میترا» شکست ناپذیر» معتقد بودند و خود را بنده ی خدا پدر «میترا» میدانستند، که این به معنای پیوند روحانی دو دولت قوی غرب و شرق بود و میتوانست به ایجاد تشکیلات واجد سیاسی- دولتی دو امپراتوری عظیم بیانجامد، که اگر این اتفاق میافتاد، شاید تاریخ جهانی سرنوشتی دیگر پیدا میکرد و به تکامل خود میرسید. کنستانتین اولین امپراتور مسیحی که به تحکیم ایدئولوژیکی امپراتوری معتقد بود، بخوبی میفهمید که بکمک میترائیسم این کار عملی نیست و خطرناک جلوه میکند. از طرفی میترائیسم به عنوان سازنده ی ساختار خشک و بسیار منظم، به سلسله مراتب سخت وفادار است و برای رسیدن به پله ی جدید، نیاز به مردانگی عظیم وقهرمانی شخصی بوده و بدین ترتیب روز بروز از تعداد پیروان کاسته می شده. مسیحیت از این نظر بیشتر مردمی بوده و هرکدام از اسقفها میتوانستند پایه گزار جریان نو مسیحیت باشند، با نتیجه گیری از اساس تئوریک، با توجه به عقاید و نظرهای شخصی با استفاده از اُتوریته ی خود بین پیروان، برای

### ایران زمین

ارضای منافع شخصی و کلیسا که هیچ ارتباطی با آموزش پاک عیسا نداشته است. تاریخ مسیحیت ، انباشته از خرافات متنوع و مسائل من درآوردی رنگارنگ، از ایده های شرقی دور می شود و باهم پیچیدگی مرموز فقهی پیدا میکند و خطر افتادن بدام صوفیسم تهدیدش میکند.

میترائیسم سفت و سخت به بروز مسائل از خود ساخته، گمراهی و کفر امکان نداد و حتی در محیط جنگ که میترائیسم در آن رشد کرده بود، نتوانست صحنه شرط بندی فقهی شود، در صورتیکه مسیحیت بعنوان یک ایدئولوژی همه کاره به مردم اجازه داد با اعتقادات و نظرات مطلقاً مختلف و متنوع، زیر نشان عیسا مسیح، پیرو و هوادار باقی بمانند، که این شرایط ، نقش بسیار عمده ای را در پخش و توسعه ی کلی دین مسیحیت ایفاء کرد.

بدین ترتیب دموکراسی در مسیحیت و بسته بودن میترائیسم، بسیاری از مسائل را مشخص کرد و بدلائل سیاسی میترائیسم متحمل شکست می شود. میترائیسم با ریشه ی ایرانی بعنوان دین رسمی دولتی که روم را از قدرت جهانی محروم کرده، برای رومیها غیرخودی و نامفهوم باقی میماند. دین زرتشت در زمان ساسانیان، موقعیت ایدئولوژیکی دولتی داشته، در حالیکه روم فاقد همچون ایدئولوژی بوده، در صورتیکه نیاز با آن در آن زمان بسیار محسوس بوده است. کنستانتین تمام نیرویش را روی مسیحیت گذاشت تنها با یک هدف

### ایران زمین

که روم استقلال ایدئولوژیکی و مذهبی نسبت به ایران پیدا کند. میترائیسم تأثیر بسیار گسترده ای بر مسیحیت گذاشت ولی بدلائل تاریخی، ایدئولوژیکی و سیاسی ناپدید شد و جای خود را به مسیحیت داد. نه فاکتورهای (عوامل) تاریخی و نه ایدئولوژیکی نتوانستند مشخص کند در مبارزه ی بین دو دین زرتشتی و مسیحیت، بین دو طرف، کدام یک پیروز از میدان بدر میاید. اگر فاکتورهای سیاسی پیش نمی آمد. برای پیروزی در جنگ های دائمی با ایران طبیعی بود که میترائیسم بهیچ عنوان نمیتواند دین رسمی و دولتی امپراتوری روم بشود و خواسته های سیاسی دولت را در این مسیر ارضا کند، ولی بهر صورت مسیحیت در بسیاری از مسائل و مراسم مذهبی مدیون میترائیسم باقی میماند و در آئین مذهبی اروپا ریشه های شرقی نفوذ میکند و جای میگیرد. بعنوان نمونه: میترائیستها در میترا خدای نور و ناجی بشریت را دیدند، مسیحیها نیز در مسیح همان را، میترا پسر خداست، مسیح نیز همچنین. میترا از زن آفریده شد، مسیح نیز. داستان تولد عیسا، همان داستان تولد میتراست.

میترا در غاری تاریک بدنیا آمد و اولین کسانی که فهمیدند، چوپانها بودند که بعنوان هدیه، طلا و مواد معطر و خوشبو آوردند. آیا این همان داستان انجیل نیست؟ میترا همچون عیسا، واسطه ی بین خدا و مردم است. میترا و عیسا، هر دو مُجری خواسته های پدرند و

### ایران زمین

فرستاده های او هستند روی زمین، با این تفاوت که عیسا پسر «یهوه» و میترا پسر خدا. یهودیها، یهوه را همان خدا میدانستند که در انجیل آمده است. مأموریت میترا، مبارزه با اهریمن، شیطان و بندگان اوست که وقتی در آخرین روز هستی برای داوری بشریت میآید، پیروزی نهائی نور و خوبی بر تاریکی و ظلم است که این وظیفه ی عیساست از نظر مسیحیان. عروج میترا بدرگاه خدا پس از آخرین مأموریت هایش روی زمین، بسیار شبیه داستان عیساست، ایفاء کننده ی دستورات پدر روی زمین و بازگشت او بآسمان. حتی نشانه گرائی میترائیسم در مسیحیت رخنه کرد: صلیب، میترائیست ها صلیب را در دایره (سمبول قدیمی خورشید) رسم میکردند و چهار گوشه صلیب، همان نقطه ی اساسی و بنیادی راه سالانه ی خورشیدی است، دو نقطه : اعتدال ایام (روز و شب) و دو نقطه انقلاب خورشیدی، که در مسیحیت، صلیب نشانه ی رنج و مقاومت شد، با اینکه خورشید را در خود حفظ کرد. جشن مقدس تولد میترا: ۲۱ دسامبر، در تاریک ترین شب سال در تاریک ترین غار، نشانه ی تولد نور و پیدایش امید و نشانه ی زایش دوباره ی طبیعت. جشن مقدس عیسا نیز درست در همین شب در زمان انقلاب خورشیدی زمستانی است. نشانه ی خورشید- صلیب در دایره را میتوان در صحنه های غذاخوری مقدس (تغذیه ی

## ایران زمین

تقدیس) میترا دید.

مراسم نان گرد در کنار میترا که به ۴ قسمت تقسیم شد: نان و شراب شیرین، مراسم مقدس میترائیست هاست. نشانه ی سفره ی پربرکت میترا و مددیاران اوست. نشانه های خوشبختی در زندگی آینده و جاودانی در پادشاهی میترا، که در مسیحیت نیز دقیقاً همانگونه است، با این تفاوت که نان، نشان (پاره های) تن عیساست و شراب شیرین نشان خون او و نشانه ی سفره ی پر برکت مسیح. بار عاطفی این مراسم، چون خاطره ای است از آخرین شام عیسا با حواریون، غسل تعمید که از نظر بندگان کیش میترا، شست و شوی انسان از گناهان مرتکب شده بود، چون اعتراف به گناهان و بخشش گناهان گناهکاران در میترائیسم با همان شکل به مسیحیت منتقل شده. مفهوم کلیسای جنگجو و جنگنده نیز از میترائیست هاست. خود سازمانی پیشرفته ی کلیسای برادران مسیحی در بسیاری از مسائل یاد آور سیستم خوش قدو قامت و منظم میترائیست هاست. مقاوم برتر کلیسای کاتولیک چون کُپی پله ای برتر و مقدس میترائیسم به همان نام خوانده شد: پدر، پاپا، پاپ، پادر (در واتیکان). سران مذهبی میترائیسم خواستار نظم سفت و سخت از طرف پیروان بودند. روزه ها، خویشتن داری و .. میترائیسم به عنوان دین مردانه، دین جنگجویان شد و بهمین دلیل موفقیت های بیشماری را در برداشت، از شمال گرفته تا «اَورلیان»، «گالیان» و «دیو

کلتیان»<sup>۰</sup>

در زندگی غیر جنگی نیز مهمترین وسیله حفظ آرامش در جامعه بعنوان تنه ی استوار و بنیادی دولت بود. تا با امروز مقامات ارشد مسیحی (آرخی یری و آرخی مندری تی) کلاهی دارند بعنوان لقب دینی بنام «میترا» که از پارسیان به ارث بردند و «میترا پولیت» که درجه ی برتر در کلیسای کاتولیک است و واژه ی متروپولیتین – شهر «میترا» شهر خورشید، که محل زندگی مردم است بعنوان پایتخت میدانستند که امروز متاسفانه کاربرد لغوی ندارد. تا با امروز اسقفهای اعظم کلاه قرمزی دارند که «میترا» نام دارد که به آنها «متروپولیت» لقب میدادند. این واژه ها و اصطلاحات نشانی دیگر از زنده بودن ایده های میترائی در مسیحیت است. مسیحیت با اینکه با توجه به تعصبات مذهبی بین هواداران، با تکیه بر اعتقاد و آمال و افکار مذهبی شخصی صریحاً خود را از دیگر ادیان دور کرده و بر خلاف یهودیت سعی نکرده خود را از عناصر بت پرستی و خرافات دیگر ادیان ایزوله کند و با این همه سرشار از تأثیرات میترائیسم باقی مانده است.

دین «میترا» که از دو هزار سال قبل از میلاد مسیح بین آریائیها بعنوان خداوند پیمان (در اوستانیز با نام ایزد پیمان یاد شده) رواج داشته در سال ۶۶ میلادی در دیدار «تیرداد» شاه به «نرو» معرفی و سال ۳۲۵ میلادی دین رسمی امپراتوری روم بود. در قرن یکم



### ایران زمین

میلادی، در زمان امپراتوری اشکانی از طریق استان ارمنستان و استان پونتس استانی که در حاشیه دریای سیاه بوده) توسط مهردنیان ایرانی و بازرگانان به اروپا رفته و با اندیشه های افلاتون در هم آمیخت. آسامی روزهای هفته با تغییرات گویشی و نوشتاری از میترائیسم تا با امروز مشاهده است: دوشنبه (مه شید) از خدای ماه، یا مون و در انگلیسی مَندی و مونتاک در آلمانی. سه شنبه (بهرام شید) روز «تی ویس» و در انگلیسی تیوزدی و در آلمانی (دینستاک. چهارشنبه (تیرشید) روز وُدین و در انگلیسی وِزدی و در آلمانی میتوخ- پنجشنبه (برجیس شید) روز تُور و در انگلیسی تِزدی و در آلمانی (دِر دُونر) یا دُونرِستاه - آدینه (ناهِید شید) روز اِریِر (خدای باروری) و در انگلیسی فرای دی، در آلمانی فری تاگ. شنبه (کیوان شید) روز کیوان (ساتورن) و در انگلیسی سِتردی و در آلمانی سام تاگ. یکشنبه (مهرشید) روز خورشید و در انگلیسی سن دی و در آلمانی سون تاگ که توسط کنستانتین در سال ۳۲۱ میلادی روز خورشید (مهر) تعطیل هفتگی شد. دوازده نشانه ی آسمانی از یاران میترا بودند به حواریون تبدیل شدند.

مهرابه های بسیاری در آلمان، فرانسه، و روسیه یا اتفاقی یا به هنگام مرمت کلیساها کشف شده که گویای مهر پرستی در نقاط مختلف گیتی است.

مسیحیت با گرفتن مسائل و سنت ها و مراسم و فلسفه ی

### ایران زمین

میترائیسم روح دمکراتیزه شده ی کومونهای اولیه، سرچشمه ی فرمانبرداری آنها، شراره های خورشید و نور، افسانه ی تولد و چوپانها و هدایا، قانون عهد و پیمان و شرافت (عمل به حرف زده شده)، قانون اخلاق و رفتار، استفاده از ناقوس و شام، «آب مقدس» و «غسل تعمید» و «نوازندگی» به هنگام خوردن نان و شراب در مهرابه های میترائی، پیمان داشتن با او که در انجیل بنام «عهد جدید» آمده، تقدیس ۲۵ دسامبر و عروج، خویشتن داری و پرهیز، آیین آسمان و جهان نما، تفکر در باره ی موجودیت یافتن از ایزدان، قربانی کردن، خدمت به نزدیکان و حمایت از تمامیت جهان مجسم، مبارزه ی مداوم و جاودانی بین خوبی و بدی (با پیروزی اولی بر دومی)، جاودانگی روح، رستاخیز و داوری، نابودی و مرگ آتشین دنیا(هستی) «تعیین کننده ی راه تمدن اروپا می شود، اروپائی که در آغوش تمدن یونانی - رومی با گرفتن میراث فرهنگی و مذهبی، با ریشه گیری و کمک دین قدرتمند قدیمی «پارسی» تا به امروز مدیون میترائیسم و علوم مختلف ایرانیان است.

\*\*\*